

The Mediating role of Loneliness in the Relationship between Parent-Adolescent Conflict and Emotional Dysregulation in Adolescents

Tayebeh Azizi¹, Hassan Amiri², Karim Afshari Nia³

1. PhD student in Psychology, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
2. (Corresponding author), PhD in Psychology, Assistant Professor, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. ahasan.amiri@iauksh.ac.ir
3. PhD in Psychology, Assistant Professor, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

ABSTRACT

Received: 11/05/2022 - Accepted: 25/10/2022

Aim: The aim of this study was to determine the fit of the model of structural relationship between parent-adolescent conflict with emotional dysregulation, with the mediating role of loneliness in adolescents in Tehran. **Methods:** The statistical population of the study included adolescents aged 13 to 18 years in Tehran. Using available sampling method, 400 people (200 female adolescents and 200 male adolescents) were selected as the sample and used the Asadi and Younesi adolescent parent conflict questionnaire (1390), Russell (1996) revised feelings of loneliness, and Graz and Romer (2004) responded to emotional dysregulation. Structural equation model was used to analyze the data. **Findings:** The results showed that there was a positive and significant relationship between parent-adolescent conflict and emotion dysregulation ($p < 0.05$). Also, there is a positive and significant relationship between parent-adolescent conflict with emotional dysregulation with the mediating role of loneliness ($p < 0.05$). **Conclusion:** Based on research findings, it can be concluded that feeling lonely with the occurrence of emotions such as depression, anxiety, and fatigue can play a mediating role between parent-adolescent conflict and emotion disorder.

Keywords: Parent-adolescent conflict, emotional disorder, loneliness



فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۱، شماره ۸۳، پاییز ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی

e-issn:4018-2717

p-issn:400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v21i83.11087

نقش میانجی احساس تنهایی در ارتباط بین تعارض والد- نوجوان با بدتنظیمی هیجانی در نوجوانان

طیبه عزیزی^۱، حسن امیری^۲، کریم افشاری نیا^۳

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
۲. نویسنده مسئول، دکتری روان‌شناسی، استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. ahasan.amiri@iauksh.ac.ir
۳. دکتری روان‌شناسی، استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

(صفحات ۸۵-۱۰۹)

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تعیین برآزش مدل رابطه ساختاری تعارض والدین و نوجوان با بدتنظیمی هیجانی با نقش میانجی احساس تنهایی در نوجوانان شهر تهران انجام شد. **روش:** جامعه آماری پژوهش شامل نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله شهر تهران در سال تحصیلی در سال ۹۸-۱۳۹۷ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نوجوان دختر و ۲۰۰ نوجوان پسر) به عنوان نمونه انتخاب شدند و به پرسشنامه تعارض والد نوجوان اسدی و یونسی (۱۳۹۰)، احساس تنهایی تجدید نظر شده راسل (۱۹۹۶) و بدتنظیمی هیجانی گراتز و رومر (۲۰۰۴) پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد بین تعارض والد-نوجوان با بدتنظیمی هیجان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < 0/05$). همچنین، بین تعارض والدین و نوجوان با بدتنظیمی هیجانی با نقش میانجی احساس تنهایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < 0/05$). **نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های پژوهشی می‌توان نتیجه گرفت که احساس تنهایی با بروز احساساتی همچون افسردگی، اضطراب، خستگی می‌تواند نقش میانجی بین تعارضات والد-نوجوان و بدتنظیمی هیجان ایفا کند.

واژه‌های کلیدی: تعارض والد-نوجوان، بدتنظیمی هیجانی، احساس تنهایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳

مقدمه

نوجوانی مرحله‌ای از زندگی است که با تغییرات چشمگیر بیولوژیک، اجتماعی، عاطفی و روانی مشخص می‌شود. دوره رشد و نمو نوجوانی (بین ۱۰ تا ۱۵ سال)، دوره مهمی است که غالباً انجام دادن مداخلات در این دوره نادیده گرفته می‌شود (گلاس، کوهلی، سورکان، ری و پرین^۱، ۲۰۱۸). فرزند در دوره نوجوانی، از افکار، عقاید و اعمال اعضای خانواده انتقاد می‌کند و با مظاهر قدرت در خانواده، اغلب والدین به مخالفت بر می‌خیزد. نوجوان در جست و جوی خودمختاری و ایجاد هویتی مستقل برای خود است. او خود را فردی رشد یافته در نظر می‌گیرد که توانایی تصمیم‌گیری در مسائل شخصی اش را دارد؛ اما در دنیایی زندگی می‌کند که تحت کنترل بزرگسالان است (استورج اپل، لی، مارتین، جونز گوردیلز و دیویس^۲، ۲۰۲۰). رابطه والدین و فرزند در دوران انتقال به دوره نوجوانی دستخوش تغییر قرار می‌گیرد. هدایت این تغییرات در سن نوجوانی برای والدین چالش بزرگی است؛ زیرا نوجوانان در این سن تمایل بیشتری به استقلال رفتاری و همچنین ورود به فرایندهای تصمیم‌گیری دارند (وینگیت^۳، ۲۰۰۴).

توسعه استقلال نوجوانان، به نوبه خود می‌تواند تأثیراتی بر ویژگی‌های روابط والدین و نوجوانان بگذارد. والدین انتظار دارند که استقلال با بیشتر شدن سن افزایش یابد؛ اما نوجوانان به طور معمول خواستار آن هستند که زودتر خودمختار شوند (استورج اپل و همکاران، ۲۰۲۰). تعارض والد-نوجوان، شاخصی از اختلال در ارتباط بین پدر و مادر با فرزندشان به شمار می‌آید. زمانی تعارض والد-نوجوان مشکلی ارتباطی تلقی می‌شود که الگوی ارتباط والد-فرزند نیاز به توجه بالینی داشته باشد؛ یعنی ارتباطات معیوب خانواده به حدی رسیده باشد که سبب اختلال در کارکرد خانواده و عملکرد فردی شود (وینگیت، ۲۰۰۴). تعارض حالتی از تنش و پریشانی است که به عنوان عاملی فشارزا

1. Glass, N., Kohli, A., Surkan, P.J., Remy, M.M. & Perrin, N

2. Sturge-Apple, M.L., Li, Z., Martin, M.J., Jones-Gordils, H.R., & Davies, P.T

3. Wingate, A.E

شناخته می‌شود و موجب بروز احساسات و هیجانات منفی می‌شود. کیفیت تعامل والد-نوجوان در خلال دوره نوجوانی اغلب با تنش و تعارض همراه است و مشکلات رفتاری و هیجانی را برای والد و نوجوان در پی دارد (کریشمان^۱، ۲۰۱۴). در طول دوره نوجوانی رابطه عمودی والدین به تدریج به رابطه افقی تبدیل می‌شود (وان دورن و همکاران^۲، ۲۰۱۸). رابطه افقی ممکن است به افزایش تعارضات میان نوجوان و والدین منجر شود و این امر برای هر دو طرف موجب نگرانی است (قمری و قمری گندوانی، ۱۳۹۳). مدیریت مؤثر تعارضات، منجر به انتقال موفقیت آمیز نوجوان برای نقش‌ها و مسئولیت‌های بزرگسالی می‌شود؛ پس آگاهی والدین از پیامد راهبردهای سازنده و غیرسازنده‌های که هنگام تعارض با نوجوانان خود به کار می‌برند، می‌تواند تا حدودی والدین را به سمت مدیریت مؤثر تعارض و انتخاب راه حل مطلوب، هنگام تعارض سوق دهد. فرزندان خانواده‌هایی که روابط صمیمی بین والدین و فرزندان وجود ندارد، برای غلبه بر آشفتگی‌های روانی خود به سوء مصرف مواد روی می‌آورند. (لوک، فارهات، لانوتی، سیمونز مورتون^۳، ۲۰۲۰). چنانچه والدین نتوانند تعامل مناسب و سازنده‌ای را با نوجوان یا جوان خود برقرار کنند، فرزند دچار محرومیت عاطفی و هیجانی می‌شود و ممکن است این فقر هیجانی و کمبود عاطفی وی را به سمت اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف سوق دهد (سامک، ویلسون، مک گوئه و لاکونو^۴، ۲۰۱۸).

تعارض در این دوره بخش معمول روابط والدین و فرزندان است؛ اما وجود تعارضات کمتر لازمه تصمیم‌گیری بهتر و استقلال نوجوانان است (مود و همکاران^۵، ۲۰۱۵). نحوه رفتار فرد در محیط خانواده در شرایط بروز تعارض ممکن است مبتنی بر رویکرد سازنده حل تعارض باشد؛ به این معنا که فرد سعی کند با استدلال، تعارض و اختلاف نظر خود

1. Krishnan, U, D

2. Van Doorn, M. D., Branje, S. J., & Meeus, W. H

3. Luk, J.W., Farhat, T., Iannotti, R.J., & Simons-Morton, B.G

4. Samek, D.R., Wilson, S., McGue, M & Iacono, W.G

5. Moed, A., Gershoff, E. T., Eisenberg, N., Hofer, C., Losoya, S., Spinrad, T. L., & Liew, J

را مطرح کند یا اینکه فرد از رویکرد غیرسازنده، مانند پرخاشگری و خشونت، در بروز اختلافات و تعارض‌ها بهره ببرد؛ به این ترتیب که به پرخاشگری کلامی یا پرخاشگری فیزیکی روی آورد. به طور مثال دختران در هنگام بروز تعارض با والدین از استدلال مبتنی بر توجیحات روان‌شناختی استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که پسران از استدلال مبتنی بر توجیحات میان فردی بهره می‌برند (یو و اسمیتانا^۱، ۲۰۱۷). همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، نوجوانی دوره انتقال روان‌شناختی و آسیب‌پذیری است. این دوره از رشد با تغییرات زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی مهمی مشخص شده است؛ بنابراین عجیب نیست با ازدیاد چالش‌ها و رویدادهای منفی زندگی همراه شود و هیجانات منفی و آشفتگی را افزایش دهد (فلاین^۲، ۲۰۱۶). در این زمینه نقص در تنظیم هیجان، عاملی کلیدی برای کارکردهای فرد و رشد اجتماعی نوجوانان محسوب می‌شود. گراتز و روئمر^۳ (۲۰۰۴) در این باره شش دشواری در تنظیم هیجان شامل نپذیرفتن پاسخ هیجانی، دشواری در انجام رفتار هدفمند، دشواری در کنترل تکانه، فقدان آگاهی هیجانی، دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی و نداشتن وضوح هیجانی را مطرح کردند. دشواری در تنظیم هیجان می‌تواند به صورت گسترده‌ای بر روابط نوجوان-والد تأثیر بگذارد؛ بنابراین کمک به نوجوانان برای مدیریت تعارض‌ها به صورتی سازگارانانه تکلیف‌رشدی مهمی برای نوجوانان به شمار می‌رود و با کارکرد روانی-اجتماعی آنها مرتبط است (استاتس و همکاران^۴، ۲۰۱۸).

به‌طورکلی تحقیقات فراتحلیلی در این زمینه نشان داده‌اند تنظیم هیجان عاملی مهم در بهبود ارتقای سلامت روان و بهزیستی نوجوانان (کمپاس^۵ و همکاران، ۲۰۱۷) و دشواری در تنظیم هیجان عاملی کلیدی در آسیب‌شناسی روانی محسوب می‌شود

1. Yau, J., & Smetana, J

2. Flynn, E. B

3. Gratz, K. L., & Roemer, L

4. Staats, S., van der Valk, I. E., Meeus, W. H., & Branje, S. J

5. Compas, B. E., Jaser, S. S., Bettis, A. H., Watson, K. H., Gruhn, M. A., Dunbar, J. P., & Thigpen, J. C

(شافر^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). افرادی که ناتوانی یا دشواری در تنظیم هیجان را تجربه می‌کنند، بیشتر در معرض مشکلات بین شخصی قرار می‌گیرند (زاهد و همکاران، ۱۳۹۶). دشواری در تنظیم هیجان ممکن است به صورت گسترده‌ای بر روابط نوجوان-والد تأثیر بگذارد. در واقع ظرفیت و توانایی تنظیم رفتارهای هیجانی فرزندان بر رفتارهای والدین با آنها تأثیر دارد؛ از این رو کیفیت روابط والد-فرزند با چگونگی تنظیم هیجان در فرزند ارتباط متقابل و دوسویه‌ای دارد (کیل و کالمویریس^۲، ۲۰۱۵). این تأثیر، بالعکس هم هست. مروری بر شواهد تحقیقاتی این حیطه نشان می‌دهد نقص در تنظیم هیجان علاوه بر نقشی که در آسیب‌شناسی روانی فردی دارد، می‌تواند به منزله عاملی مهمی در بافت خانواده و روابط نوجوان-والدین هم در نظر گرفته شود. در این زمینه عسگری و صفرزاده (۱۳۹۳) نشان دادند تنظیم هیجان در ارتباط نوجوان-والدین نقش مؤثری دارد. آنها به این نتیجه رسیدند که تنظیم مناسب هیجان، پیش‌بینی‌کننده راهبرد حل تعارض استدلال و تنظیم نامناسب هیجان، پیش‌بینی‌کننده پرخاشگری کلامی است. رودریگز و همکاران^۳ (۲۰۱۷) نیز در تحقیقی نشان دادند تنظیم هیجان تا حدودی ارتباط بین استرس و پرخاشگری در رابطه والد-فرزند را میانجیگری می‌کند. حیدری و جلیلیان (۱۴۰۰) نیز در طی یک فراتحلیل نشان دادند که آموزش‌های تنظیم هیجان می‌تواند با افسردگی در ارتباط باشد و سبب کاهش افسردگی شود.

یکی دیگر از مواردی که در رابطه با این ناخوشنودی‌های عاطفی امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است و تحقیقات زیادی نشان می‌دهد که رو به افزایش است احساس تنهایی است. احساس تنهایی گذرگاهی برای هجوم آوردن احساس‌های منفی دیگری است که اغلب افراد می‌کوشند به صورت هشیار و ناهشیار از آن‌ها اجتناب کنند. مشکلات احساس تنهایی و تبعات ناشی از آن در دختران بیشتر از پسران است (کای و

1. Schäfer, J. Ö., Naumann, E., Holmes, E. A., Tuschen-Caffier, B., & Samson, A. C

2. Kiel, E. J., & Kalomiris, A. E

3. Rodriguez, C. M., Baker, L. R., Pu, D. F., & Tucker, M. C

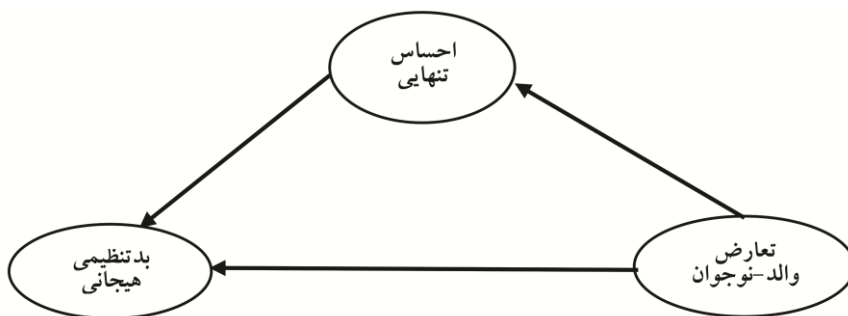
لونلس^۱، (۲۰۱۴). احساس تنهایی حالتی هیجانی است که شخص احساس بسیار قوی از عدم صمیمیت و انزوا را تجربه می‌کند (کرمی جویانی، سروقد و بقولی ریا، ۱۳۹۴)؛ و نشان دهنده نداشتن تفاهم، همدلی و درک نشدن است؛ یعنی درک متقابل و حمایت نشدن به موقع و مناسب از سوی پدر و مادر، همچنین عدم دریافت به موقع کمک مناسب در وضعیتی که فرد به کمک اطرافیان شدیداً نیاز دارد، می‌تواند از عوامل مهم ایجاد احساس تنهایی باشد. در بعد روانی، مهم و چالش انگیز است که یک فرد ممکن است در جمع باشد، اما احساس تنهایی کند (ابوحمزه و خوشابی، ۱۳۹۵). نوجوانان در قیاس با دیگر گروه‌های سنی، تنهایی را با شدت بیشتری تجربه کرده و در بعضی مطالعات همچون هرمن^۲ (۲۰۱۵) به این نتیجه رسیدند که تنهایی در نوجوانی به اوج خود می‌رسد و بررسی انجام شده بر روی نمونه بزرگ نوجوانان نشان داد که ۳۶/۱٪ شرکت‌کنندگان از اواسط کودکی تا نوجوانی احساس تنهایی بیشتری را تجربه می‌کنند. چنین به نظر می‌رسد که این احساس تنهایی به ویژه در سنین دانش آموزی و دوره راهنمایی می‌تواند نوجوانان را در معرض انواع مشکلات عاطفی، هیجانی و رفتاری قرار دهد. احساس تنهایی از این برداشت نشأت می‌گیرد که روابط میان فردی با انتظارات شخصی فرد همخوانی نداشته است. هرچند تنهایی بخش طبیعی از رشد به شمار می‌رود، اما می‌تواند موجب نگرانی فراوانی بشود (سلیمانی، ۱۳۹۴). همچنین در مطالعه مهراندیش، سلیمی بجستانی و نعیمی (۱۳۹۸) بر این نکته تاکید داشتند که احساس تنهایی در نوجوانان دختر می‌تواند تحت تاثیر عوامل خانوادگی، ارتباطی / اجتماعی و هیجانی / فردی باشد. الهاگین^۳ (۲۰۱۴) احساس تنهایی را به عنوان تجربه‌ای منفور، پریشان کننده و ناخوشایند بیان می‌دارد که باعث می‌گردد نوجوان احساس حقارت کرده و حالات خلقی ناراحت کننده‌ای را تجربه کند. بررسی احساس تنهایی و اجتناب

1. Kai, M., & Lonless, S
2. Herman, k.s
3. Elhageen, A

از تجربه در دوره نوجوانی از آن رو حایز اهمیت است که به اعتقاد نظریه پردازان، افراد تنهایی را تا زمان نوجوانی تجربه نمی‌کنند؛ احساس تنهایی را احتمالاً در دوره نوجوانی هنگامی که فرد احساس دل‌بستگی به والدینش را رها می‌سازد و نمی‌تواند آشنایی رضایت بخش در گروه دوستان داشته باشد تجربه می‌کند (انجم شعاع قنبری، فلاح زاده، خوش کنش، ۱۳۹۵). نوجوانانی که احساس تنهایی می‌کنند و به اجتناب تجربی دچار شده‌اند، دچار بدتنظیمی هیجانی می‌شوند که زمینه بروز اختلالات روانی، اضطراب، سوءرفتار، کنش‌های جنسی خطرناک، رفتارهای پرخاشگرانه، گرایش به خودکشی را در آنان افزایش می‌دهد (روکاچ، اورزک، کریپس، لاکوویچ و پنزیک^۱، ۲۰۱۹، سالوجا و همکاران^۲، ۲۰۱۴). تحقیقات زیادی صورت گرفته است تا ماهیت تعارض والدین و نوجوانان مشخص شود و عموماً بر این باورند که یکی از عوامل بروز بدتنظیمی هیجانی در نوجوانان، تعارض میان آنان و والدین است. اما تحقیقات گسترده‌تر نشان می‌دهد که این رابطه (تعارض والد-فرزند و بدتنظیمی هیجانی) پیچیده‌تر از آن است که در یک رابطه علت و معلولی ساده خلاصه شود. در رابطه با این سازه‌ها و ارتباطی که بین متغیرهای ذکر شده با تنظیم هیجان دارند؛ پیشینه پژوهش‌ها گواه بر این مدعا است. حسینی آهنگری، زربخش و محمودی (۱۴۰۰) الگوی ساختاری رابطه بین تعارض والد-فرزند و احساس تنهایی با گرایش به مصرف مواد را مورد بررسی قرار دادند. رضایی، اکبری، احمدیان و یاراحمدی (۱۳۹۹) مدل‌سازی مشکلات رفتاری نوجوانان بر اساس تعارض والد-فرزند و مشکلات فرآیندهای خانواده با نقش میانجی‌گیری دشواری تنظیم هیجان در نوجوانان دختر را انجام دادند. فکن، کی و مک درمت^۳ (۲۰۲۰) به مدل‌سازی و بررسی رابطه تعارض والد-فرزند و احساس تنهایی با میانجی‌گیری دشواری در تنظیم هیجان پرداختند.

1. Rokach, A., Orzeck, T., Cripps, J., Lackovic-Grgin, K., & Penezic, Z
 2. Saluja, G., Iachan, R., Scheidt, P. C., Overpeck, M. D., & Giedd, J. N
 3. Fecken, A., Kei, S., & Mc Dermot, N

در پژوهش حاضر مدلیابی و چینش این متغیرها در کنار یکدیگر به عنوان متغیرهای برون زا و درون زا نقش اصلی را ایفا می کند لذا نسبت به تحقیقات گذشته می توان به دلیل مدل ساختاری ارائه شده، تبیین بهتری نسبت به این روابط بیان نمود و به تبیین کامل تری دست یافت چرا که اهمیت بررسی این متغیر نیز از بعد زمینه سازی برای آسیب هایی همچون اضطراب، افسردگی و سایر اختلالات مرتبط با سلامت روان است که تنظیم هیجانی در فرد را مختل می کند. همچنین در تحقیقات داخلی هیچکدام از تحقیقات به بررسی ارتباط این متغیرها و تفاوت آن در بین نوجوانان دختر و پسر پرداخته نشده است که نشان از خلأ عملیاتی و نظری در این زمینه دارد و در این پژوهش می توان به نتایجی در این رابطه دست یافت. به طور کلی می توان گفت که با توجه به پیشینه پژوهش ها و بررسی آنها مشخص گردید که تاکنون مدل اندازه گیری و اکتشافی در رابطه با ارتباط بین متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش ارائه نگردیده است که بتوان بر اساس آنها پیشنهادهایی کاربردی در رابطه با نتایج و آثار تنظیم هیجان و همچنین کنترل متغیرهای موثر و بهبود آنها بیان کرد. در حوزه روش تحقیق نیز عمدتاً پژوهش ها به صورت بررسی رابطه بوده و کمتر به صورت مدلیابی انجام شده است، بنابراین سعی می شود با ترسیم مدل معادلات ساختاری در رابطه با متغیرهای فوق به معرفی روش های کاربردی برای تنظیم هیجان در نوجوانان بپردازیم. پژوهش کنونی در این راستا صورت گرفت و با توجه به مطالعه گسترده در بین این عوامل، مولفه احساس تنهایی انتخاب شدند تا بررسی شود که آیا الگویی منطقی می توان برای ارتباط تعارض والد فرزند و بدتنظیمی هیجانی نوجوانان با نقش میانجی این عوامل ترسیم نمود؟ با توجه به اینکه در این پژوهش ها متغیری همچون، احساس تنهایی به صورت تک و یا بیشتر در مدل ها بیان گردیده است، به نظر می رسد ارتباطی مستقیم و غیر مستقیم نیز از طریق این متغیر میانجی در رابطه بین تعارض والد-نوجوان و بدتنظیمی هیجانی وجود داشته باشد که به صورت مدل زیر برای بررسی در این پژوهش ترسیم گردیده است (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (منبع: محقق ساخته)

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی می‌باشد و به روش همبستگی انجام شد. جامعه آماری در این پژوهش شامل تمامی نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ مدارس متوسطه منطقه ۵ تهران مشغول به تحصیل در سال ۹۸-۹۷ بود. بر اساس آمار اخذ شده از سازمان آموزش و پرورش منطقه ۵ تهران، تعداد دانش‌آموزان مقطع متوسطه برابر با ۵۵ هزار و ۶۶ دانش‌آموز بود. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای تصادفی بود و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان برابر با ۴۰۰ نفر که ۲۰۰ نفر دختر و ۲۰۰ نفر پسر در نظر گرفته شدند. در بخش تحقیقات میدانی با استفاده از پرسشنامه‌های ذیل نمونه آماری مورد بررسی و در نهایت نتایج حاصل از پرسشنامه که به صورت فردی در بین این نوجوانان توزیع شد. برای ورود نوجوانان در این پژوهش ملاک‌های ورود شامل، عدم سوء مصرف مواد، داشتن رضایت از خانواده برای شرکت در پژوهش و ملاک‌های خروج تک فرزند بودن و داشتن سرپرستی توسط تک والد در نظر گرفته شد. در رابطه با ملاحظات اخلاقی، هدف پژوهش برای افراد شرح داده شد و آنها فرم رضایت از شرکت در پژوهش را امضا نمودند. از دیگر ملاحظات اخلاقی مطرح در این پژوهش اصل رازداری اطلاعات افراد شرکت‌کننده بود. در این پژوهش از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و...) و در قسمت آمار استنباطی از آزمون شاپیرو-ویلک برای بررسی نرمال بودن داده‌ها و آزمون

همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین متغیرها استفاده شد. همچنین جهت برازش مدل مفهومی از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی با استفاده از مدل معادلات ساختاری و برازش مدل استفاده شد. نرم افزار مورد استفاده IBM AMOS24 بود.

ابزار پژوهش

۱- مقیاس تعارض والد-نوجوان اسدی یونسی و همکاران (۱۳۹۰)

برای سنجش میزان تعارضات بین والدین و نوجوان از پرسشنامه اسدی یونسی و همکاران (۱۳۹۰) استفاده شد که دارای ۹۲ گویه است که هر گویه نیز دارای دو بخش دارد. بخش اول «فراوانی تعارض» و بخش دوم «شدت تعارض» را می‌سنجد. نمره‌گذاری پرسش‌ها در هر بخش جداگانه و براساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای انجام می‌شود. اسدی یونسی و همکاران (۱۳۹۰) ضریب آلفای ۰/۹۶ را برای همسانی درونی بخش فراوانی تعارض و ضریب آلفایی ۰/۹۸ برای بخش شدت تعارض ۰/۹۱ را به دست آورده‌اند. ضریب بازآزمایی این مقیاس نیز برای بخش فراوانی تعارض ۰/۷۲ و برای بخش شدت تعارض ۰/۷۴ به دست آمده است. روایی همزمان این مقیاس از طریق اجرای همزمان آن با مقیاس سنجش تعارض نوجوان-والد بررسی شد که نتایج بیانگر همبستگی معنادار با هر دو بخش فراوانی تعارض ($r=0/31$) و شدت تعارض ($r=0/39$) است (اسدی یونسی و همکاران، ۱۳۹۰). میزان آلفای کرونباخ برای این متغیر، در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۷ بود.

۲- مقیاس بدتنظیمی هیجانی گرتز و رومر (۲۰۰۴)

برای سنجش بدتنظیمی از مقیاس دشواری تنظیم هیجان استفاده می‌شود. این مقیاس توسط گرتز و رومر (۲۰۰۴) تدوین شده و دارای ۳۶ ماده است. نمره‌گذاری این پرسشنامه براساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای انجام می‌شود و گزینه‌ها به صورت تقریباً هرگز، گاهی اوقات، نیمی از اوقات، بیشتر اوقات، تقریباً همیشه می‌باشد و نمره‌های آن

به ترتیب از ۱ تا ۵ می‌باشد. مقیاس دشواری در تنظیم هیجان شش راهبرد شناختی پذیرش هیجان است که شامل رفتار کردن مطابق با اهداف، عدم توانایی در کنترل کردن رفتارهای تکانشی، نقص در آگاهی و درک هیجانات، نقص در راهبردهایی به کار رفته در تنظیم هیجان و نقص در شفافیت هیجان‌ها و عدم پذیرش پاسخ می‌باشد. گرتز (۲۰۰۴) اعتبار این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش کرده است. در پژوهش برجعلی (۱۳۹۲) اعتبار آن با دوروش آلفایی کرونباخ و تنصیف محاسبه شد که به ترتیب برابر ۰/۸۶ و ۰/۸۰ گزارش شد. برای بررسی روایی مقیاس، نمره آن با نمره‌ی مقیاس هیجان خواهی زاکرمن (۱۹۸۰) همبسته شد و مشخص شد که همبستگی مثبت معنی داری بین آن‌ها وجود دارد که بیانگر برخورداری مقیاس تنظیم هیجان از روایی همگرایی لازم بود. میزان آلفای کرونباخ برای این متغیر، در پژوهش حاضر برابر با ۰/۹۰ بود.

۳- مقیاس احساس تنهایی تجدید نظر شده راسل (۱۹۹۶)

مقیاس احساس تنهایی UCLA (نسخه سوم) به عنوان اولین آزمون احساس تنهایی در سال ۱۹۷۸ توسط راسل، پیلا و فرگوسن در دانشگاه کالیفرنیا ساخته شد. این مقیاس شامل ۲۰ گویه است. از طریق مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت از ۱ تا ۴ (هرگز تا اغلب) نمره‌گذاری می‌شود و نارضایتی افراد از روابط اجتماعی‌شان و فقدان روابط صمیمانه را می‌سنجد. کسب نمره بالاتر در این مقیاس به معنی شدت بیشتر احساس تنهایی است. دامنه نمره کسب شده در این مقیاس بین ۲۰ تا ۸۰ است. راسل و همکاران (۱۹۸۰) ضریب همسانی درونی این مقیاس را ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند. رحیم زاده و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود ضریب همسانی درونی این مقیاس را برابر با ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند. علیرغم روایی و پایایی مناسبی که برای این مقیاس گزارش شده بود، برای رفع برخی نواقص، راسل و همکاران در سال ۱۹۸۰، نسخه تجدید نظر شده‌ای از فرم اولیه دادند. این

مقیاس، بار دیگر توسط راسل (۱۹۹۶) مورد تجدیدنظر قرار گرفت. او در نسخه سوم عبارات های آزمون و نحوه پاسخ گویی به آن را ساده تر کرد و محتوای ماده چهارم آزمون را از منفی به مثبت تغییر داد. همچنین مواد آزمون را به گونه ای طراحی کرد که بتوان آن را از طریق مصاحبه نیز اجرا و گزارش نمود. این مقیاس شامل ۲۰ سوال است که در طیف لیکرت ۴ درجه ای (۱ = هرگز، ۴ = همیشه) پاسخ داده می شود. دامنه نمرات این پرسش نامه بین ۲۰ تا ۸۰ قرار دارد. راسل (۱۹۹۶) برای این نسخه مقیاس ضریب آلفا برابر با ۰/۹۴ گزارش کرد. در پژوهش بحیرایی و همکاران (۱۳۷۸) آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۸۸ و ضریب همبستگی بین نمرات افسردگی و احساس تنهایی ۰/۶۷ محاسبه شد. میزان آلفای کرونباخ برای این متغیر، در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۳ بود.

یافته ها

این پژوهش، بر روی ۴۰۰ نفر از نوجوانان دختر و پسر انجام شد. در بین نوجوانان دختر، بیشترین درصد برای نوجوانان دختری بوده است که پدر آنها تحصیلات معادل کارشناسی (۷۲) و کمترین درصد برای نوجوانان دختری بوده است که پدر آنها تحصیلات معادل زیر دیپلم (۱۳) داشته است. همچنین برای نوجوانان پسر نیز بیشترین درصد برای نوجوانان پسری بوده است که پدر آنها تحصیلات معادل کارشناسی ارشد (۶۶) و کمترین درصد برای نوجوانان پسری بوده است که پدر آنها تحصیلات معادل زیر دیپلم (۷) داشته است. همچنین، در بین نوجوانان دختر، بیشترین درصد برای نوجوانان دختری بوده است که مادر آنها تحصیلات معادل کاردانی (۶۲) و کمترین درصد برای نوجوانان دختری بوده است که مادر آنها تحصیلات معادل زیر دیپلم (۱۱) داشته است. همچنین برای نوجوانان پسر نیز بیشترین درصد برای نوجوانان پسری بوده است که مادر آنها تحصیلات معادل کارشناسی (۹) و کمترین درصد برای نوجوانان پسری بوده است که مادر آنها تحصیلات معادل زیر دیپلم (۶) داشته است. بررسی ویژگی های فردی شرکت کنندگان بر اساس جدول زیر می باشد:

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی اعضای نمونه

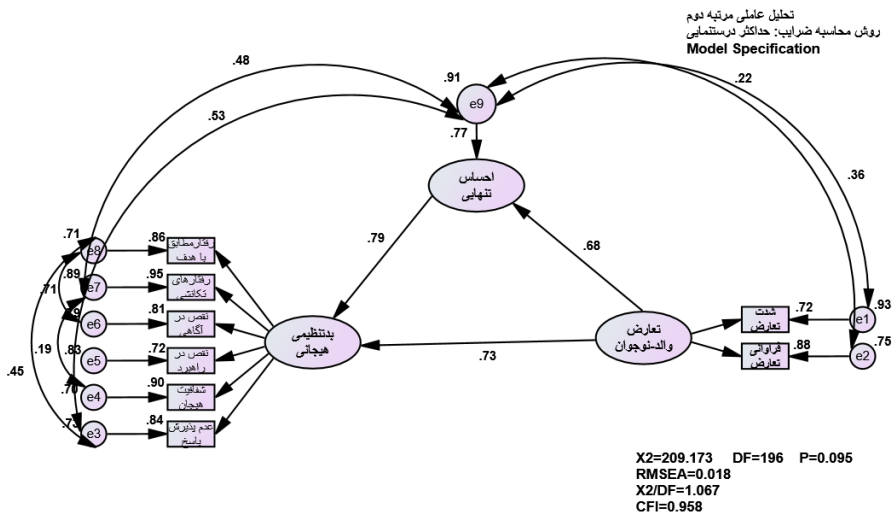
سن		نوجوانان دختر		نوجوانان پسر	
فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
۱۳-۱۴ سال	۶۰	۶۶	۳۰	۳۳	۳۳
۱۵-۱۶ سال	۷۶	۷۲	۳۸	۳۶	۳۶
۱۷-۱۸ سال	۶۴	۶۲	۳۲	۳۱	۳۱
جمع کل	۲۰۰	۲۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰

همچنین شاخص‌های پراکندگی برای متغیرهای پژوهش به شرح جدول ۲ می‌باشد:

جدول ۲: آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	خرده مقیاس‌ها	نوجوانان پسر		نوجوانان دختر	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
تعارض والد-فرزندی	فرآوانی تعارض	۱۳۸/۰۲	۴/۲۲	۱۴۱/۰۴	۴/۱۶
شدت تعارض	شدت تعارض	۱۲۹/۶۲	۳/۴۸	۱۱۸/۱۵	۴/۷۳
رفتار نکردن مطابق با هدف	رفتار نکردن مطابق با هدف	۲۸/۱۱	۱/۸۸	۲۶/۵۱	۱/۸۵
عدم کنترل رفتارهای تکانشی	عدم کنترل رفتارهای تکانشی	۲۷/۱۷	۱/۷۵	۲۵/۳۴	۲/۲۹
دشواری در تنظیم هیجان	نقص آگاهی هیجان	۲۹/۵۳	۲/۴۷	۲۷/۷۹	۱/۷۵
هیجان	نقص درک هیجان	۲۶/۲۷	۱/۵۳	۲۸/۵۵	۲/۲۶
هیجان	نقص راهبرد تنظیم هیجان	۲۵/۷۰	۱/۳۸	۲۶/۷۳	۱/۴۲
هیجان‌ها	نقص شفافیت هیجان‌ها	۲۴/۳۳	۱/۷۶	۲۷/۱۹	۲/۱۵
احساس تنهایی	-	۳۹/۳۱	۳/۱۸	۴۵/۱۲	۲/۹۵

قبل از برآزش مدل پژوهش لازم بود آزمون آماری مناسبی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها انتخاب شود. ابتدا جهت بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شد. بر اساس نتایج آزمون شاپیرو-ویلک نیز مقادیر سطح معناداری متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ بود، یعنی فرض صفر رد و حاکی تایید فرض خلاف و نرمال بودن توزیع داده‌ها است. بنابراین با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، در تحلیل‌های پیش رو از آزمون‌های پارامتریک معادل با فرضیه‌های پژوهش استفاده می‌شود. ابتدا برازندگی الگوی پیشنهادی بر اساس شاخص نسبت مجذور خی دو به درجه آزادی، شاخص برازندگی تطبیقی، شاخص نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون الگوی پیشنهادی، حکایت از برازش قابل قبول این الگو داشت که این الگوی برازش یافته در شکل شماره ۱ قابل مشاهده است.



شکل ۲. الگوی مدل اثر میانجی احساس تنهایی در رابطه بین تعارض والد-فرزند و بدتنظیمی هیجانی نوجوانان

در جدول شماره ۳ مشخصه‌های برازندگی الگوی معادلات ساختاری یعنی شاخص

نکویی برازش (GFI)، شاخص نکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)، مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA)، شاخص برازش تطبیقی (CFI) و شاخص هنجار شده (NFI) به عنوان شاخص‌های برازش مدل در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۳. مشخصه‌های برازندگی الگوی معادلات ساختاری

NFI	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	X ² /df	df	X ²
۰/۹۳۷	۰/۹۵۸	۰/۹۹۰	۰/۹۸۳	۰/۰۱۸	۱/۰۶۷	۱۹۶	۲۰۹/۱۷۳

بر اساس جدول ۳ نسبت خوبی دو به درجه آزادی ($X^2/df=1/067$) شاخص نکویی برازش ($GFI=0/983$)، شاخص تعدیل شده نکویی برازش ($AGFI=0/990$) و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب ($RMSEA=0/018$) در سطح مناسبی هستند. بنابر این برازش الگوی پیش بینی پژوهش در سطح مناسبی است. در شکل اعداد روی مسیرها ضرایب استاندارد (β) هستند. در جدول ۴ اثرات مستقیم، غیر مستقیم و واریانس تبیین شده متغیرهای تحقیق گزارش شده است. اعداد داخل پرانتز ضریب تی هستند. جهت بررسی اثرات میانجی از آزمون سوب استفاده شده است.

جدول ۴. برآورد ضرایب استاندارد شده و واریانس تبیین شده الگو

مسیرها	رابطه مستقیم	رابطه غیر مستقیم	واریانس تبیین شده
به سمت بدنظیمی هیجان			
تعارض والد-نوجوان	(۰/۷۳) ** (۷/۴۸۳)	(۰/۵۴) ** (۴/۰۱۶)	% ۴۹
احساس تنهایی	(۰/۷۹) ** (۱۱/۷۰۴)		% ۴۳

** P

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، با توجه به ضریب مسیر ۰/۷۳ و همچنین آماره $t=7/483$ تعارض والد-نوجوان بر بدنظیمی هیجان رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین با توجه به نتایج آزمون سوبل و ضریب مسیر ۰/۵۴ و آماره آزمون ۴/۰۱۶ تعارض

والد-نوجوان به صورت غیر مستقیم از طریق متغیر میانجی احساس تنهایی با بدتنظیمی هیجان رابطه مثبت و معناداری دارد. سایر نتایج نشان داد با توجه به ضریب مسیر $0/79$ و آماره t به میزان $11/704$ احساس تنهایی به صورت مستقیم با بدتنظیمی هیجان رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین، با توجه به میزان واریانس تبیین شده 49 درصد واریانس بدتنظیمی هیجان توسط تعارض والد-نوجوان و 43 درصد توسط متغیر احساس تنهایی تبیین می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین مدل رابطه ساختاری تعارض والدین و نوجوان با بدتنظیمی هیجانی با نقش میانجی احساس تنهایی بود. نتایج حاصل از روابط ساختاری بین متغیرها و مدل معادلات ساختاری نشان داد بین تعارض والدین و نوجوان با بدتنظیمی هیجان با نقش میانجی احساس تنهایی در نوجوانان رابطه وجود دارد. حسینی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به الگوی ساختاری رابطه بین تعارض والد-فرزند و احساس تنهایی با گرایش به مصرف مواد پرداختند که نشان از ارتباط تعارض والد-فرزند با احساس تنهایی و رفتارهای پرخطری همچون گرایش به سوء مصرف مواد دارد که با نتایج پژوهش حاضر همسویی دارد. همچنین صدیق راد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی مشابه به بررسی رابطه بین تنظیم شناختی هیجان و احساس تنهایی با گرایش به مصرف مواد در نوجوانان پرداختند که نشان از ارتباط بین این متغیرها و همسویی نتایج با نتایج پژوهش حاضر دارد. سپهری و کیانی (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی رابطه تنظیم شناختی هیجان و گرایش به اعتیاد: نقش میانجی احساس تنهایی اجتماعی عاطفی و طحوره‌های ناسازگار اولیه پرداختند که نشان از نقش میانجی احساس تنهایی در این ارتباط داشت و با نتایج پژوهش حاضر همسویی دارد. مهدوی و میرزاوند (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی به رابطه علی تعارض والد-فرزند، اضطراب، احساس تنهایی و کنترل شخصی به عنوان پیشایندهای گرایش به مصرف مواد مخدر در

نوجوانان پرداختند که تعارض و احساس تنهایی را در رابطه با اعتیاد به صورت متغیرهای پیش بین معرفی نمود که با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد. صدری دمیرچی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر تنظیم شناختی هیجان، احساس تنهایی و صمیمیت اجتماعی زنان دارای همسر معتاد پرداختند که نشان از تأثیر تنظیم هیجان بر احساس تنهایی دارد که با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد و این رابطه به صورت دو سویه را نشان می‌دهد. خوش روش و همکاران نیز (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین شیوه‌های حل تعارض والدین و حمایت اجتماعی خانواده با احساس تنهایی فرزندان پرداختند. که نتایج حاکی از ارتباط تعارضات با احساس تنهایی در فرزندان دارد و با نتایج حاضر همسویی دارد. همچنین با نتایج پژوهش گائلاکسون و همکاران (۲۰۱۷) در ارتباط با تأثیر جنسیت در مشکلات رفتاری و فرهنگ پذیری همسویی دارد که در آن نیز نشان از مشکلات رفتاری درونی شده در دختران و مشکلات رفتاری بیرونی شده در پسران و ارتباط آن با تعارضات بین والد-فرزند اشاره دارد. نیک منش و همکاران (۲۰۱۵) نیز نقش احساس تنهایی و تنظیم شناختی هیجان در سوء مصرف مواد مخدر را مورد بررسی قرار دارند که نشان داد تنهایی و تنظیم شناختی هیجان با هم در ارتباط و هر دو سوء مصرف مواد را پیش بینی می‌نمایند که با نتایج پژوهش حاضر همسو می‌باشد.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت که احساس تنهایی یکی از مفاهیم پیچیده روان شناختی است. تعریفی که امروزه از آن وجود دارد با مفهومی که این واژه در قدیم الایام داشته متفاوت است. در گذشته این احساس، مفهومی مثبت قلمداد می‌شد و بیشتر تداعی کننده ریاضت و دوری از اجتماع برای رسیدن به شأن و منزلت بالای انسانی، تعمق، مراقبه و ارتباط با خدا، بود. اما امروزه این واژه بار معنایی منفی دارد و بیشتر بر تجربه ناخوشایندی که در پی عدم وجود همدم در زندگی حس می‌شود، دلالت دارد. پژوهشگران تعاریف متفاوتی از احساس تنهایی ارائه داده‌اند ولی در بین تمامی این

تعاریف، متخصصان در سه نکته توافق نظر دارند. اول این که، احساس تنهایی تجربه‌ای ذهنی است و به هیچ وجه نمیتوان آن را با انزوای اجتماعی عینی یکی دانست (انجم الشعاع و همکاران، ۱۳۹۵). زیرا افراد ممکن است هم در هنگامی که تنها هستند و هم هنگامی که در جمع هستند احساس تنهایی کنند. به همین دلیل تنها بودن و احساس تنهایی مفاهیمی یکسان نیستند. دوم، احساس تنهایی ناشی از ضعف فرد در روابط اجتماعی است و زمانی روی می‌دهد که بین روابط اجتماعی واقعی فرد و آنچه که او از این روابط انتظار دارد، ناهمخوانی وجود دارد. این کاستی به چند شیوه قابل توصیف است. بعضی محققین، بر این مفهوم تأکید دارند که نیازهای اساسی انسان برای صمیمیت بر آورده نمی‌شود. سوم، احساس تنهایی، تجربه‌ای تلخ و آزاردهنده است. گرچه احساس تنهایی در برخی موارد ممکن است منجر به رشد شخصی شود، با این وجود تجربه‌ای ناخوشایند و دردناک است. کسانی که احساس تنهایی می‌کنند، احساساتی از قبیل افسردگی، پوچی، اضطراب، خستگی، درماندگی و استیصال را گزارش می‌دهند و احساس تنهایی را با شادی و رضایت توصیف نمی‌کنند. توجه به اهمیت احساس تنهایی در دوران نوجوانی و تأثیراتی که این احساس در زندگی نوجوان و به احتمال زیاد در دوران بزرگسالی او خواهد داشت، اهمیت پرداختن به آن را روشن می‌کند. به اعتقاد اندرو میل کاف (۱۹۹۹)، آنچه که تمام نوجوانان نیاز دارند شامل موارد زیر است: مکانی امن، انجام دادن کارهای ارزشمند، حس تعلق، احساس توانمندی، حس امیدواری و داشتن رابطه با کسانی که وجودشان در زندگی او معنا دار باشد. به اعتقاد او کلیت نوجوان با محقق شدن عوامل ذکر شده شکوفا می‌شود که البته تحقق این نیازها باید با توجه به تفاوت‌های فردی و بر مبنای احترام متقابل متجلی شود که این مهم بر عهده والدین نوجوان است. از طرفی، تنظیم هیجانی یک فرآیند محوری برای همه ی جنبه‌های عملکرد انسان است و در شیوه‌های مقابله ی افراد با تجارب استرس زا و نیز تجربه ی شادی، نقش اساسی ایفا میکند. تنظیم هیجان به نوجوانان کمک

می‌کند تا نسبت به تغییر شرایط و نیازهای حاضر که منجر به ایجاد هیجانات جدید می‌شود، با انعطاف پذیری پاسخ دهند. این انعطاف پذیری با سلامت روان همبستگی بالایی دارد. نوجوانانی که تنظیم هیجان موثری دارند، به لحاظ اجتماعی مهارت‌های بهتری را نشان می‌دهند. بر عکس نوجوانانی که در تنظیم هیجان مشکل دارند، دچار اختلال در عملکرد اجتماعی هستند و بنابراین به میزان کمتری نسبت به دیگران از حمایت اجتماعی بهره‌مند می‌شوند که احساس تنهایی می‌تواند این موضوع را تشدید کند و در واقع پلی میان تعارض و عدم تنظیم هیجان گردد. عدم تنظیم هیجانی یکی از علل اساسی کژکاری در بین کودکان و نوجوانان است و همین امر می‌تواند سبب بروز احساس تنهایی در آن‌ها شود. نوجوانانی که بدتنظیمی در هیجانات دارند از حمایت اجتماعی پایین‌تر برخوردارند و در بین همسالان خود گاهی در روابط دچار مشکل‌اند و احساس تنهایی دارند. احساس تنهایی و بدتنظیمی در هیجانات سبب بروز پرخاشگری و عدم بروز رفتارهای مناسب با خانواده و اطرافیان شده که موجبات وجود تعارض بین والدین و فرزندان را فراهم می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که بین تعارض والدین و نوجوان با بدتنظیمی هیجان با نقش میانجی احساس تنهایی در نوجوانان رابطه وجود دارد.

این پژوهش نیز همانند سایر پژوهش‌ها از محدودیت‌هایی برخوردار بود که می‌توان گفت به علت نبود زمان کافی و عدم همکاری مدارس محقق نمی‌توانست به صورت مصاحبه بالینی، در ابتدا نوجوانانی را که سابقه تعارض و یا بدتنظیمی هیجانی داشتند به صورت هدفمند انتخاب و سپس اقدام به توزیع پرسشنامه نماید. همچنین، می‌توان گفت که به دلیل عدم دسترسی همزمان به والدین و دانش‌آموز، محقق قادر به بررسی هر دو بخش تعارض در مقیاس تعارض والد-فرزند نبود. از نتایج این تحقیق می‌تواند پیشنهادات کاربردی متنوعی برای اقشار مختلف جامعه بالاخص دانش‌آموزان، والدین و درمانگران استخراج کرد. می‌توان پیشنهاد داد که والدین با شرکت در کلاس‌های حل

تعارض و شناسایی زمینه‌های تعارض با فرزندان خود و نظارت دورادور و تشویق به شرکت در گروه‌های دوستانه با نظارت خود سبب بالا رفتن اعتماد به نفس آنان و کاهش احساس تنهایی در آنها شوند که سبب کاهش تعارض بین خود و فرزندان نیز می‌شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی آمیخته به طراحی الگوی تعارض والد-فرزند و اعتباریابی نتایج حاصل از آن در بین نوجوانان شهر تهران پرداخته شود. پیشنهاد می‌شود در پژوهشی در سنین پایین‌تر (مثلاً کودکان) به بررسی تأثیر متغیرهای میانجی در این پژوهش در رابطه بین تعارض والد-فرزند و تنظیم هیجان پرداخته شود.

ملاحظات اخلاقی: کلیه مشارکت‌کنندگان رضایت شفاهی خود را جهت شرکت در پژوهش اعلام کرده و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است. **سهم نویسندگان:** نویسنده مسئول تمامی مراحل فرآیند پژوهش را به تنهایی مدیریت نموده و مسئول نگارش مقاله است.

تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌نمایند هیچ‌گونه تضاد منافی در مطالعه وجود ندارد.

حمایت مالی: نویسندگان اذعان می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی جهت انجام مقاله دریافت نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی: نویسندگان از همکاری مشارکت‌کنندگان عزیز در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌نمایند.

منابع

- ابوحوزه، ا؛ خوشابی، ک. (۱۳۹۳). جان بالبی: نظریه دلبستگی. تهران: دانژه. چاپ دوم.
- اسدی یونسی، م.، مظاهری، م.، شهیدی، ش.، طهماسیان، ک و فیاض بخش، م. (۱۳۹۰). تدوین و اعتباریابی پرسش‌نامه سنجش تعارض والد-نوجوان. فصلنامه خانواده و پژوهش. ۸(۱۲): ۷۰-۴۷.
- اسدی، ا؛ جاویدی، ح؛ قاسمی، ن. (۱۳۹۴). رابطه تعارض والد-نوجوان، تاب‌آوری با مشکلات روان‌شناختی نوجوانان مقطع دوم و سوم راهنمایی در مناطق چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز، مطالعات روان‌شناختی. ۱۱(۱): ۹۶-۷۵.

- انجم شعاع، ب؛ قنبری، س؛ فلاح زاده، ه؛ خوش کنش، ا. (۱۳۹۵). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس احساس تنهایی کودک در دختران دبستانی شهر کرمان. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، ۲۲ (۱)، ۶۶-۵۸.
- حسینی آهنگری، س. ع؛ زربخش، م؛ محمودی، ن. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین تعارض والد-فرزند و احساس تنهایی با گرایش به مصرف مواد مخدر در دانشجویان. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۵ (۳)، ۹-۱.
- خوش روش، و؛ رحمتی، ف؛ مشای، ز؛ ارجمندی، آ. (۱۳۹۵). مطالعه رابطه بین شیوه‌های حل تعارض والدین و حمایت اجتماعی خانواده با احساس تنهایی فرزندان. ماهنامه پژوهش ملل، ۲ (۱۳)، ۷۸-۶۵.
- رحیم زاده، س؛ بیات، م؛ اناری، آ. (۱۳۸۸). احساس تنهایی و خوداثربخشی اجتماعی در نوجوانان. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۲۲، ۹۶-۸۷.
- زاهد، ع؛ اله‌قلیلو، ک؛ ابوالقاسمی، ع؛ نریمانی، م. (۱۳۹۶). ارتباط بین راهبردهای تنظیم هیجان و رفتار بین‌فردی در سوء مصرف‌کنندگان مواد، اعتیاد پژوهی، ۳ (۱۱)، ۹۹-۱۱۳.
- سپهری، م؛ کیانی، ق. (۱۳۹۹). رابطه تنظیم شناختی هیجان و گرایش به اعتیاد: نقش میانجی احساس تنهایی اجتماعی عاطفی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه. اعتیاد پژوهی، ۱۴ (۵۶)، ۳۳۸-۳۱۳.
- سلیمانی، م. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی تلفن همراه با اهمال کاری تحصیلی، احساس تنهایی، سلامت روان در دانش‌آموزان پسر سوم دبیرستان شهر قم. روان‌شناسی تربیتی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- حیدری، ر؛ جلیلیان، م. (۱۴۰۰). فراتحلیل آموزش‌های تنظیم هیجان بر کاهش نشانگان اختلال افسردگی. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره انجمن مشاوره ایران، ۲۰ (۷۹)، ۸۳-۶۳.
- صدری دمیرچی، ا؛ اسدی شیشه‌گران، س؛ اسماعیلی قاضی ولویی، ف. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر تنظیم شناختی هیجان، احساس تنهایی و صمیمیت اجتماعی زنان دارای همسر معتاد. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۲ (۲۵)، ۱۹-۱.
- صدیق‌راد، غ؛ فتحعلی‌پور، ز؛ زربخش، م. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین تنظیم شناختی هیجان و احساس تنهایی با گرایش به مصرف مواد مخدر در نوجوانان معتاد شهر آبادان. کنفرانس ملی سلامت اجتماعی در شرایط بحران، ۱۱-۱.
- صنفي یاری روشی، ر؛ موسوی، م؛ اناری، آ. (۱۳۹۸). تعارض والد-نوجوان در گذر تحول نوجوانی (نوجوانی اولیه، میانی و پایانی). نهمین همایش سراسری روانپزشکی کودک و نوجوان، ۱۸-۱.
- عسگری، پ؛ صفرزاده، س. (۱۳۹۳). رابطه تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان، روان‌شناسی دین، ۷ (۱)، ۹۵-۸۲.
- قمری، م؛ قمری‌گندوانی، آ. (۱۳۹۳). رابطه ابعاد عملکرد خانواده با تعارض والد-نوجوان در بین دانش‌آموزان مقطع راهنمایی، فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۸ (۲۶)، ۱۵۷-۱۷۴.
- کریمی جویانی، ف؛ سروقد، س؛ بقولی‌ریا، ح. (۱۳۹۴). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های هویت با رضایت از

- زندگی دانش آموزان. فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. ۶ (۴). ۱۲۸-۱۱۵.
- مظلوم، م؛ یعقوبی، ح؛ محمدخانی؛ ش. (۱۳۹۳). رابطه باورهای فراشناختی در تنظیم هیجان با اختلال استرس پس از ضربه، علوم رفتاری. ۸ (۲). ۱۱۳-۱۰۵.
- مهدوی، س؛ میرزاوند، ج. (۱۳۹۹). رابطه علی تعارض والد-فرزند، اضطراب، احساس تنهایی و کنترل شخصی به عنوان پیشایندهای گرایش به مصرف مواد مخدر در نوجوانان. فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد. ۱۴ (۵۵). ۱-۳.
- مهراندیش، ن؛ سلیمی بجزستانی، ح؛ نعیمی، ا. (۱۳۹۸). مولفه های احساس تنهایی دختران نوجوان مبتنی بر تجارب زیسته آنان. فصلنامه علمی پژوهش های مشاوره انجمن مشاوره ایران. ۱۸ (۷۰). ۳۴-۵.
- Compas, B. E., Jaser, S. S., Bettis, A. H., Watson, K. H., Gruhn, M. A., Dunbar, J. P., & Thigpen, J. C. (2017). Coping, Emotion Regulation, and Psychopathology in Childhood and Adolescence: A Meta-Analysis and Narrative Review. *Psychol Bull*; 143(9):939-991.
- Elhageen, A. (2014). Effect of interaction between parental treatment style and peer relations in classroom on the feeling of loneliness among deaf children in Egyptian schools. PhD Dissertation, Egypt University.
- Flynn, E. B. (2016). Emotional and Behavioral Problems in Development: The Role of Implicit Theories of Emotion. Doctoral dissertation, University of California, Irvine.
- Glass, N., Kohli, A., Surkan, PJ., Remy, MM & Perrin, N. (2018). The relationship between parent mental health and intimate partner violence on adolescent behavior, stigma and school attendance in families in rural Democratic Republic of Congo. *Glob Ment Health*. 5:20.
doi:10.1017/gmh.2018.10.
- Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, 26(1), 41-54.
- Herman, k.s. (2015).the in fluence of social self-efficacy, self esteem and personality differences a loneliness and depression, *Journal of Unpublished, the Ohio state university*, 85, 110-142.
- Kiel, E. J., & Kalomiris, A. E. (2015). Current themes in understanding children's emotion regulation as developing from within the parent-child relationship. *Current opinion in psychology*, 3, 11-16.
- Krishnan, U, D. (2014). Parent-adolescent conflict and adolescent functioning in a collectivist, ethnically heterogenous culture: Malaysia [PhD dissertation]. [Ohio, USA]: Human development and family science, Ohio State University.
- Luk, J.W., Farhat, T., Iannotti, R.J., & Simons-Morton, B.G. (2020). Parent-child communication and substance use among adolescents: do father and mother communication play a different role for sons and daughters? *Addict Behav*. 35(5),426-31. doi: 10.1016/j.addbeh. 2009.12.009.

- McLaughlin, K.A., Hatzenbuehler, M., Douglas, S.M.C., & Nolen, H. (2011). Emotion deregulation and adolescent psychopathology: A prospective study. *Behavior Research and Therapy*, 49, 544-554.
- Moed, A., Gershoff, E. T., Eisenberg, N., Hofer, C., Losoya, S., Spinrad, T. L., & Liew, J. (2015). Parent-Adolescent Conflict as Sequences of Reciprocal Negative Emotion: Links with Conflict Resolution and Adolescents' Behavior Problems. *Journal of youth and adolescence*, 44(8), 1607-1622.
- Nikmanesh, Z., Kazemi, Y., & Khosravi, M. (2015). Role of Feeling of Loneliness and Emotion Regulation Difficulty on Drug Abuse. *Journal of Community Health Research*, 4(1), 55-64.
- Rakesh. P., Prachi. S., & Akanksha. D. (2019). Emotion regulation difficulties in alexithymia and mental health. *Europe's Journal of Psychology*, 7(4), pp. 604-623 .www.ejop.org.
- Rodriguez, C. M., Baker, L. R., Pu, D. F., & Tucker, M. C. (2017). Predicting Parent-Child Aggression Risk in Mothers and Fathers: Role of Emotion Regulation and Frustration Tolerance. *Journal of Child and Family Studies*, 1-10.
- Rokach, A., Orzeck, T., Cripps, J., Lackovic-Grgin, K., & Penezic, Z.(2019). The effects of culture on the meaning of loneliness.*Social Indicators Research*, 53, 17-31.
- Russell, D., Peplau, L. A., & Cutrona, C. E. (1980). The Revised UCLA Loneliness Scale: Concurrent and discriminate validity evidence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 39, 472- 480.
- Saluja, G., Iachan, R., Scheidt, P. C., Overpeck, M. D., & Giedd, J. N.(2014). Prevalence of and risk factors for depressive symptoms among young adolescents. *Arch Pedriatra Adolesc Med*, 158, 760-765.
- Samek, D.R., Wilson, S., McGue, M & Iacono, W.G. (2018). Genetic and environmental influences on parent child conflict and child depression through late adolescence. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 47(1),5-20. doi:10.1080/15374416.2016.1141357.
- Schäfer, J. Ö., Naumann, E., Holmes, E. A., Tuschen-Caffier, B., & Samson, A. C. (2017). Emotion regulation strategies in depressive. *J Youth Adolesc*, 46(2),261-276.
- Staats, S., van der Valk, I. E., Meeus, W. H., & Branje, S. J. (2018). Longitudinal Transmission of Conflict Management Styles Across Inter-Parental and Adolescent Relationships. *Journal of Research on Adolescence*, 28(1), 169-185.
- Sturge-Apple, M.L., Li, Z., Martin, M.J., Jones-Gordils, H.R., & Davies, P.T. (2020). Mothers' and fathers' self regulation capacity, dysfunctional attributions and hostile parenting during early adolescence: a process-oriented approach. *Dev Psychopathol*, 32(1), 229-41. doi:10.1017/S0954579418001694.
- Van Doorn, M. D., Branje, S. J., & Meeus, W. H. (2018). Developmental changes in conflict resolution styles in parent-adolescent relationships: A four-wave longitudinal study. *Journal of youth and adolescence*, 40(1), 97-107.
- Wingate, AE. (2004). Attribution processes in mother-adolescent conflict [Thesis for

MA]. [Louisiana]: Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College.

Yau, J., & Smetana, J. (2017). Adolescent-parent conflict in Hong Kong and Shenzhen: A comparison of youth in two cultural contexts. *International Journal of Behavioral Development*, 27(3), 201-211.

Zuckerman, M., & Need, M. (1980) Demographic influence in sensation seeking and expression of sensation seeking in religion, smoking and driving habits. *Personality and Individual Differences*, 1, 197- 206.

